



# نگاهی به نظریات فقهی آیت الله صانعی

## سساوی حقوق زن و مرد

دکتر نعمت احمدی



### ۲- عدم شرطیت مردبودن در کلیه مناصب حکومتی

این نظر نیز همانند نظر اول است، هرچند نظریه فقهی شماره ۱ نیاز به کسب مدارج خاص فقهی دارد و اعلمیت و مرجعیت به مثابه نوری است که باید با روشنی و تالو پیرامون خود را روشن کند و اصطلاحاً مرجعیت به وسیله مردم کشف می شود و قرن هاست که مرجع را مردم، با تکیه بر توان فقهی مجتهد، کشف کرده اند. اعلام مرجعیت به وسیله هر گروه و نهادی

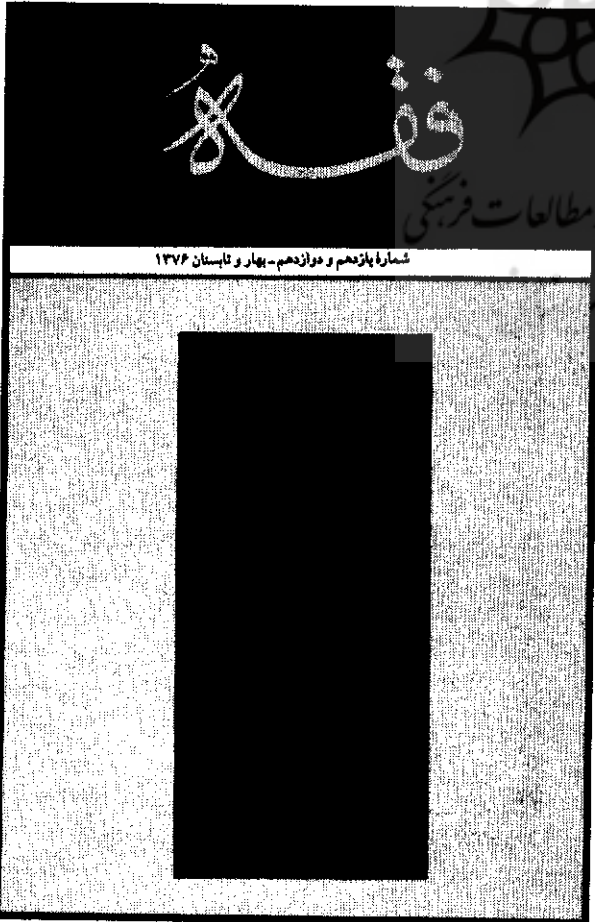
□ در پی چاپ مقاله «لزوم تشکیل مجمع حقوق دانان و مجتهدین برای اصلاح قانون مجازات اسلامی» در شماره ۱۱ مجله وزین حافظ، درصدد برآمد استفتائاتی از حضرات علمای عظام داشته باشم و تاکنون، علاوه بر آیت الله جنتی که در اسرع وقت اظهار داشتند که به علت این که پاسخ به سوالات مطرح شده نیاز به وقت و فرصت زیاد دارد و اشتغالات زیاد ایشان اجازه ی پاسخ دادن را نمی دهد، چند تن از آیات عظام پاسخ های مفصل و قابل توجهی داده اند. امید است که متن استفتا و جوابیه ها در شماره های آتی ماهنامه ی وزین حافظ چاپ شود.

اما پاسخ حضرت آیت الله العظمی یوسف صانعی که مدت ها مصادر مهم قضایی داشتند، در نوع خود جالب توجه است که علاوه بر فکس متن استفتائی، اصل پاسخ و به ضمیمه ی آن - با گزینش دفتر معظم له - ۳۹ استفتا از مجموعه استفتائات آن بزرگوار را برای نویسنده ی مقاله ارسال نموده اند. ایشان در هر یک از این استفتائات با دیدی جدید به مسایل روز نگاه کرده اند. ضمن تشکر از این نظم و ترتیب، در مقاله ی حاضر، به نمونه یی از این استفتائیه ها می پردازیم که حاصل اجتهاد حضرت آیت الله صانعی است. به علت مفصل بودن نظریات در مقاله ی حاضر، نظریات فقهی ایشان در مسایل زنان جامعه را بررسی می کنم.

### ۱- عدم شرطیت مردبودن در مرجعیت دینی

(مجمع، جلد دوم، س ۶)

به بحث تاریخی این موضوع و این که چه زمانی به درجه ی اجتهاد رسیده اند، نمی پردازم، هرچند می دانیم قبل از انقلاب اسلامی دروس حوزوی و اصولاً کلاس هایی مختص بانوان چندان وجود نداشت و با توجه به این که تا قبل از تشکیل منارس جدید و حضور دختران در این کلاس ها، سطح سواد بانوان به صورت متعارف در حد مکتب خانه های قدیم بود، اما بودند زنانی که با تکیه بر هوش و دانش و استعداد ذاتی خود یا به پای مردان پیش رفتند و به درجه ی اجتهاد رسیدند، مانند بنت الهدی. اما این که مرجع بتواند زن باشد و از باب تقلید مردان مقلد زن باشند، فتح باب جدیدی است که در نوع خود قابل توجه است.



سمت مشاور دادگاه خانواده و یا حداکثر دادسرا و امور سرپرستی کار می‌کنند. طبیعیست که نظر فقهی آیت‌الله صانعی می‌تواند به یکی از آشکالات و موانع قدیمی حضور زنان در منصب قضایی پایان بخشد.

## ۴- تساوی زن و مرد در قصاص نفس و اطراف و

### تساوی دیه‌ی زن و مرد در دیه‌ی نفس و اطراف

(مجمع، جلد دوم، س ۱۸۴۴ و ۱۸۴۲، مجمع، جلد دوم، س ۱۷۱۷)  
یکی از عمیق‌ترین نظریات فقهی آیت‌الله صانعی، موضوع تساوی زن و مرد در قصاص و دیه، اعم از قصاص نفس و اطراف است. تاکنون چنین نظر فقهی از فقهای عظام ندیده بودم. می‌توان گفت: این نظریه، انقلابی عظیم در نحوه‌ی نگرش به قانون مجازات اسلامی را در پی خواهد داشت. صاحب این قلم قادر به بیان شادی خود، زمانی که این دو نظر فقیهانه را دید، نیست. به‌عنوان مسلمانی که دو جنس زن و مرد را در بین اعضای خانواده‌ی خود دارد، از تفاوت دیه با توجه به علقه به پسر و دختر به‌طور یکسان، قادر به فهم تفاوت سهم هر یک نبودم. در قرآن مجید، کلمه‌ی دیه فقط دو بار در آیه‌ی ۹۲ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء آمده است؛ بدون این که

قابل قبول مردم واقع نشده است و این مقلدین هستند که مرجع خود را پیدا می‌کنند. اما مناصب حکومتی مبحثی جداگانه است، نمونه‌ی اعلی آن ریاست جمهوری است که حسب اصل ۱۱۵ قانون اساسی، رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب شود و مبحث «رجال» و تعریف واژه‌ی آن محل بحث شده و گروهی آن را جمع رجل می‌دانند که به مردان اطلاق می‌شود و گروهی اعتقاد به اوصاف خاص دارند که جنسیت را در نظر نمی‌گیرد و حتا مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نیز در این مورد راهگشا نمی‌باشد. نظر آیت‌الله صانعی در این مورد بحث و بایی تازه باز کرده است و تصریحاً عدم شرط جنسیت را در کلیه‌ی مناصب حکومتی در نظر داشته است. به طریق اولی، وقتی زن می‌تواند مرجع دینی باشد، پس مناصبی مانند رهبری و ریاست جمهوری نیز در این نظر فقهی لحاظ شده است.

## ۳- عدم شرطیت مردبودن در قضاوت

(مجمع، جلد دوم، س ۶ مجمع، جلد اول س ۱۷۸۱، س ۱۷۱۷)  
این نظر فقهی، با توجه به حضور چندین ساله‌ی حضرت آیت‌الله صانعی در قوه‌ی قضاییه و عضویت مشارالیه در شورای عالی قضایی،

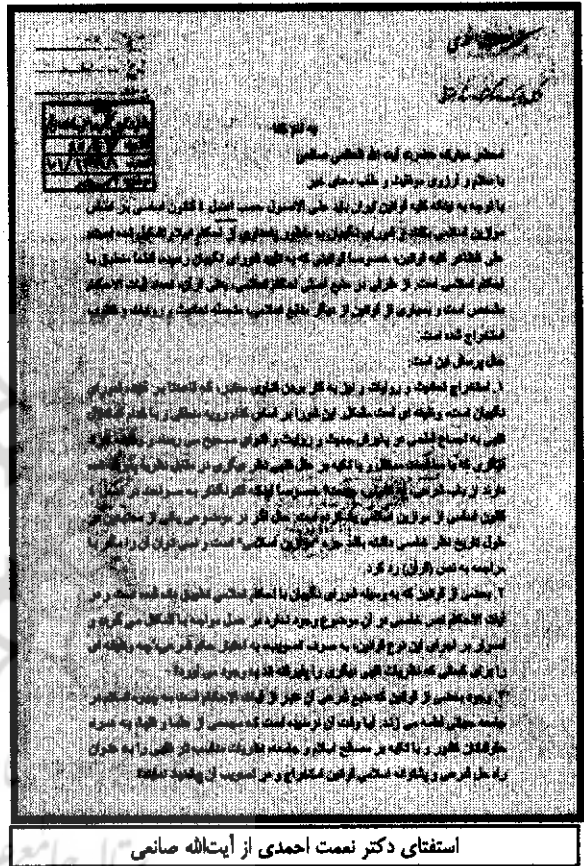


جزئیات و مقدار آن معین شود. «و ما کان لمؤمن أن یقتل مؤمناً الا خطأ و من قتل مؤمناً خطأ فتحریر رقبة مؤمنة و دیة مسلمة الی اهله الا أن یردوا فان کان من قوم عدو لکم و هو مؤمن و إن کان من قوم عدو لکم و هو مؤمن و آن کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیة مسلمة الی اهله و تحریر رقبة مؤمنة فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین توبة من الله و کان الله علیماً حکیماً». یعنی: و هیچ مؤمنی حق ندارد که مؤمنی را به قتل برساند، مگر آن‌که به خطا مرتکب آن شود و در صورتی که به خطا هم مؤمنی را بکشد (به کفاره‌ی این خطا) یک برده‌ی مؤمن آزاد کند و خون‌بها و دیه‌ی به صاحبان خون (اولیای دم) تسلیم نماید، مگر آن‌که اولیای مقتول، دیه را به قاتل ببخشند، پس اگر مقتول با آن‌که مؤمن است، از گروهی باشد که دشمن شما هستند، در این صورت فقط برده‌ی مؤمن باید آزاد کند (و چه بسا دیه ندارد) و اگر مقتول از قومی باشد

صرف‌نظر از اندیشه‌ی فقهی، تصمیمی قضایی نیز می‌باشد که از ذهن و زبان یکی از اعضای شورای عالی قضایی که در زمان امام خمینی (ره) عضو قوه‌ی قضاییه بود، متبادر شده است و می‌تواند انقلابی قابل تعمق در نحوه‌ی استخدام قضات و منصب قضایی به‌وجود آورد.

می‌دانیم که امروزه تعداد زنان دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی حقوق از مردان بیش‌تر است. جالب این‌جاست که بسیاری دختران از شم قضایی بالاتری از پسران در زمینه‌ی دروس قضایی برخوردارند، اما میزان جذب زنان در قوه‌ی قضاییه بسیار پایین است و هنوز حسب قانون استخدام قضات، شرط مردبودن از شرایط اولیه‌ی استخدام قضاییست و زنانی که قبل از انقلاب و یا آزمون‌های بعد از انقلاب و در سال‌های اخیر جذب قوه‌ی قضاییه شده‌اند، در مناصبی غیر از قضاوت مشغول به کارند و آن گروه که پایه‌ی قضایی دارند، در

که بین شما و آنان میثاق برقرار است، باید دیه و خون بها را به اهل او پرداخت کند و برده‌ی مؤمنی نیز آزاد کند و کسی که نمی‌تواند برده آزاد کند، دو ماه روزه پی در پی بگیرد، این شرط بازگشت از جانب خداست و خداوند به همه‌ی امور دانا و حکیم است.» (آیات‌الاحکام حقوقی، محمدعلی آقایی، ص ۱۳۰ و ۱۳۱، تهران، انتشارات خط سوم، چاپ دوم ۱۳۸۱).



استفتای دکتر نعمت احمدی از آیت‌الله صانعی

در مورد تقسیم دیه، آیت‌الله مکارم شیرازی چنین نظری دارند: ... دیه پول خون نیست، زیرا خون انسان با چیزی برابری نمی‌کند، بلکه دیه برای پُر کردن خلأ اقتصادی‌ست که در خانواده به‌وجود می‌آید و در این راستا مسلم است که خلأ اقتصادی بر اثر فقدان مرد به‌مراتب بیش‌تر از خلأ اقتصادی ناشی از فقدان زن است و به همین جهت دیه‌ی مرد دو برابر دیه‌ی زن است. (روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۷۷/۲/۲۸، سلسله مقالات ضمانت عاقله).

هرچند نگارنده در جایگاهی نیست که از باب فقهی، اظهارنظری کند، از نظر اجتماعی، با نظر آیت‌الله مکارم شیرازی موافق نیستم. امروزه زن و مرد به‌صورت مساوی حقوق می‌گیرند، به‌صورت مساوی درس می‌خوانند و به تناسب امتیازات حاصله پست‌هایی را تصاحب می‌کنند.

چگونه می‌توان پذیرفت که ارزش فلان خانم دکتر متخصص از نظر «خلأ اقتصادی» در خانواده کم‌تر از فلان آقای دکتر متخصص

است؟ کاش حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی آمارهای ساده از مراجع قابل توجه خود از زنانی که نان‌آور خانواده هستند، مطالبه می‌نمودند تا به این نظریه غیرقابل دفاع تمسک نجویند. مهم‌تر این که خداوند، در سوره‌ی مؤمنون آیات ۱۲ تا ۱۴، در خصوص یکسانی ذات انسان تصویری زیبا از خلقت آدمی ترسیم نموده‌اند و کلام الهی «فتبارک الله احسن الخالقین» پایان بخش این آیات است، جایی که خدا به خود آفرین گفته و خود را بهترین آفریننده دانسته است. «و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه فخلقنا المضعه عظاماً فکسونا العظام لحماً ثم انشأناه خلقاً فتبارک الله احسن الخالقین». یعنی: هر آینه، به تحقیق، انسان را از خلاصه‌ی از گل بیافریدیم، پس آن را به‌صورت نطفه‌ی در جایگاه محکم و استوار بنهادیم، سپس نطفه را علقه (خون بسته) و علقه را مضغه (پاره‌گوشت جویده یا قابل جویدن) بساختیم، پس آن گوشت را استخوان‌ها نموده و سپس استخوان‌ها را با گوشت بیوشاندیم، پس آن را آفریده‌ی دیگر، ممتاز از سایر آفریده‌ها پدید آوردیم، پس آفرین بر خداوند، بهترین آفریننده. (آیات‌الاحکام، دکتر ابوالقاسم گرگی، ص ۱۹۸، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۳).

آن‌چه بعداً فقها در جزئیات و مقدار دیه آورده‌اند، نظر فقهی آنان است که در قانون مجازات اسلامی هم آمده است. حال باید دید آیا نظر فقهی آیت‌الله صانعی، با تکیه بر زمان حاضر و تغییر بنیادین در نحوه‌ی تأمین اقتصادی خانوار با حقیقت زندگی امروزی، متناسب‌تر نیست؟ چه تفاوتی‌ست بین دست خانم دندانپزشک متخصصی که قطع می‌شود با دست مرد متخصص دندانپزشکی که در همین حادثه دست او نیز قطع شده است؟ فقاقت و اجتهاد مبتنی بر واقعیت‌های جامعه می‌تواند بستر ساکن و ساکت نظریاتی که شاید در گذشته حتماً از دید اقتصادی، که مورد نظر آیت‌الله مکارم شیرازی‌ست، هم‌سو باشند، ولی امروزه جایگاه اقتصادی زن در بسیاری از خانواده‌ها، اگر بیش‌تر نباشد، کم‌تر از مردان نیست. برای نمونه، همسر این جانب، علی‌رغم تحصیلات عالی، به امور خانواده می‌پردازد و باور دارم که نقش وی در اداره‌ی امور خانواده و تنظیم دخل و خرج و تأثیر او در تربیت فرزندان و موفقیت آن‌ها و حتا تحصیلات تکمیلی این جانب بعد از ازدواج، به اندازه‌ی‌ست که قادر به تشکر نمی‌باشم و تنها از پیشگاه خداوند شکرگزار چنین موهبتی هستم که به من اعطا نمود تا مامن و پناهگاهی داشته باشم و فرزندانم نیز در سایه‌ی این امنیت در مسیر مدارج عالی طی طریق کنند.

## ۵ - طلاق در دست مرد است، لکن اگر زن مهریه‌ی خود را ببخشد و تقاضای طلاق نماید، بر مرد واجب است او را طلاق دهد

با آوردن کلمه‌ی «واجب»، شاید بتوان گفت نظر فقهی آیت‌الله صانعی اگر به‌صورت قانون دربیاید، تنها به ضرب‌المثل قدیمی و در هر حال تازه‌ی «مهرم حلال، جانم خلاص» نزدیک شده‌ایم. وقتی

علاوه بر نظریات ذکرشده در بالا، نظریات دیگر از آیتالله صائمی - همانند سن بلوغ دختران که با نبود سایر شرایط ۱۳ سال قمری است یا جواز تلقیح مصنوعی در خارج از رحم و انتقال آن به رحم که در نوع خود از نظریات قابل توجه است، یا ارث بردن زن از تمام اموال شوهر، در صورت نبودن وارث دیگر، یا ارث بردن زن از همه‌ی اموال شوهر از عین منقولات و از قیمت غیرمنقول - نشانگر درایت و تیزبینی و شگرف‌نگری ایشان است.

از نظریات دیگری - ماند عدم حرمت خروج زن از منزل بدون اجازه‌ی شوهر در مواردی که خلاف شئون مرد یا خلاف حق استمتاع مرد نباشد، و عدم حرمت روش‌های جلوگیری (کنترل

ریاست محترم قوه‌ی قضاییه در سخنرانی معروف خود در بازدید عید سال‌ها قبل در حضور قضات اعلام کردند به‌وسیله‌ی دوربین‌های مخفی در دادگاه خانواده دیده‌اند که زنی سر خود را به میز قاضی می‌زد و درخواست طلاق می‌نموده، حال این که سال‌ها از هم جدا بودند، ولی قاضی توجه نمی‌نمود، طبیعی است این گونه برخورد کردن با مسأله‌ی طلاق و زنان عواقب سوئی دارد.

گناه اصرار بر حفظ ظاهری عقد ازدواج، بدون در نظر گرفتن تبعات آن که در مواردی با تاسف به گناه آلوده می‌شود، بر گردن کیست؟ این نظر فقهی می‌تواند از باب عسر و حرج هم قابل توجه باشد، چه مهریه عندالمطالبه و حق طبیعی زن است، وقتی زن از حقوق حق و اولیه‌ی خود می‌گذرد، یعنی منتهای عسر و حرج را با زبان بی‌زبانی بیان می‌کند. اگر این نظر به‌صورت قانون درآید، نه تنها نظام خانواده سست نمی‌شود، بلکه با توجه به وضع زن که مهریه‌ی خود را بخشیده است و وجوب طلاق، تعادلی بین خانواده به‌وجود خواهد آورد و از افراط مرد در عدم طلاق و تفریط وی در نپرداختن مهریه و درخواست اعسار و پذیرفتن طلاق از ناحیه‌ی مرد می‌رهیم.

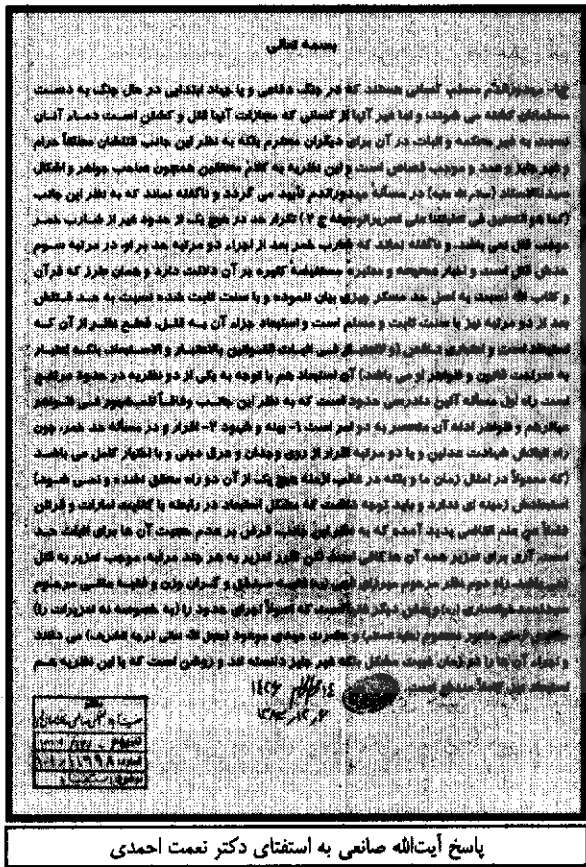
## ۶- ازدواج موقت مختص به شرایط خاص می‌باشد و نه به‌عنوان عدل ازدواج دائم

می‌دانیم که ازدواج موقت تنها در مذهب تشیع مجوز دارد و خلیفه‌ی دوم ازدواج موقت را تعطیل نمود که بحثی تاریخی و فقهی است. اما موضوع ازدواج موقت امروزه به‌عنوان خوش‌گذرانی و از ناحیه‌ی افراد پولدار که دارای زن و فرزند هستند، رایج است. جوانانی که قادر به تهیه‌ی امکانات ازدواج موقت باشند، به ازدواج دائم روی می‌آورند و از میان صدها ازدواج موقت به جرأت می‌توان گفت یک نمونه‌ی آن منطبق بر شأن نزول ازدواج موقت و شرایط شرعی آن نیست.

با تأسف، از ازدواج موقت که مورد اختلاف شیعه و سنی می‌باشد، سوءاستفاده می‌شود و یکی از ایرادات در بسیاری موارد غیرقابل دفاع، همین ازدواج موقت است که با نگرش خاص آیتالله صائمی می‌توان نگاهی تازه به ازدواج موقت و ایجاد شرایط سخت برای آن رسید.

## ۷- رفع حرمت سقط جنین قبل از چهار ماهگی به‌واسطه‌ی حرج و مشقت غیرقابل تحمل مانند بیماری جنین

هرچند ظاهراً این نظر فقهی در قالب لایحه‌ی به‌ظاهر مورد توجه قوه‌ی قضاییه قرار گرفته است، باید پذیرفت که این نظر فقهی با تکیه بر عمق واقعه، یعنی بیماری جنین یا مادر و تبعات بعدی، اصدار یافته و نشانگر نگرش خاص آیتالله صائمی می‌باشد.



پاسخ آیت‌الله صائمی به استفتای دکتر نعمت احمدی

جمعیت) و عدم حرمت روش‌های جلوگیری که منجر به عقیمی دائم گردد، برای کسانی که چندین فرزند دارند - می‌گذرم. نظریات قابل توجه دیگری را در خصوص ارتداد و قصاص و تساوی غیرمسلمان و مسلمان در قصاص و ارث بردن غیرمسلمان همانند مسلمان از مسلمان در مقاله‌های بعدی خواهیم آورد، نظریاتی که راز پویایی فقه شیعه و ماندگاری اجتهاد را در جهان پُرمسأله‌ی امروز اثبات می‌کند.